

نقطه نظر / نقد نظر

جایگاه مفهوم «مکان» در طرح‌های هادی روستایی (نمونه مطالعاتی: روستاهای ابوالوفا و هُرین خلیفه، کوهدشت، لرستان)

پدرام صدقی کهنه شهری*

دانشجوی دکتری معماری منظر، گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌های زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

چکیده | عدم تحقق برنامه‌های توسعه فضایی روستا (طرح‌های هادی) در ایران یکی از چالش‌های مهم توسعه پایدار روستاها هستند. این برنامه‌ها که به منظور مدیریت توسعه کالبدی و عملکردی روستاها طراحی و اجرا می‌شوند، با وجود تلاش‌ها برای بهبود و اصلاح فضا کارکردهای روستا به نتایج مورد انتظار دست نیافته‌اند؛ طی بازدید به عمل آمده از روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت (ابوالوفا، هُرین خلیفه، دم سرخ و...) ضمن تصدیق این پیش‌فرض به نظر می‌رسد عدم تحقق اهداف توسعه در مرحله اقدام عمدتاً ناشی از ناتوانی برنامه‌ریزان در ادراک و شناسایی ویژگی‌های محیطی و ارزش‌های سرزمینی روستا در مرحله تدوین برنامه باشد. بر اساس تعریف مکان و منظر، برنامه‌ریزی بر اساس مفهوم مکان نقش مهمی در تعیین هویت و موفقیت فضا دارد. مکان معادل فضای فیزیکی نیست؛ بلکه ادراک ناظر از آن حاوی ارزش‌ها و معانی مختلف است. مقایسه تطبیقی طرح‌های هادی دو روستای ابوالوفا و هُرین خلیفه در بخش مرکزی کوهدشت نیز مؤید این موضوع است که شکل برخورد با مفهوم مکان چه تأثیری بر روند توسعه روستا داشته است، به نظر می‌رسد تحقق‌پذیری اهداف توسعه روستایی (طرح‌های هادی) مستلزم شناخت دقیق مکان و توجه به لایه‌های منظر در فرایند برنامه‌ریزی است. لازمه این امر قرارگیری مرحله‌ای ویژه در شرح خدمات برنامه‌ریزی فضایی تحت عنوان «خوانش منظر» است که ضمن آن متخصص منظر با مشارکت جامعه محلی لایه‌های منظر را کشف کرده و ارزش‌های سرزمینی هویدا می‌گردد، این روند منجر به تهیه یک برنامه مبتنی بر مکان (مکان‌محور) خواهد بود که توسعه پایدار روستا را تضمین می‌کند.

واژگان کلیدی | طرح هادی، مکان، برنامه‌ریزی فضایی، برنامه مکان‌محور.

مقدمه و بیان مسئله | علت عدم تحقق برنامه‌های توسعه روستایی چه بوده و چه نسبتی با سند برنامه‌ای دارد؟ طرح‌های هادی روستایی مهم‌ترین برنامه بالادستی فضایی روستا (در چارچوب توسعه کالبدی) در ایران هستند که باهدف مدیریت توسعه کالبدی و عملکردی روستا و بر اساس ضوابط تعیین‌شده در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تصویب و اجرا می‌شود (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ۳۲). با گذشت بیش از چهار دهه از زمان تدوین و اجرای نخستین طرح هادی روستایی از سال ۱۳۶۲ تا به امروز می‌توان شاهد بود که طرح‌های هادی با وجود نظام‌مند کردن توسعه کالبدی روستاها به شکل سازمان‌یافته و فراگیر (مظفر و همکاران، ۱۳۸۷) در تحقق اهداف خود در زمینه

معیارهای زیست‌محیطی و اقلیمی ۳۰ درصد، در زمینه معیارهای کالبدی ۲۹ درصد، و در زمینه معیارهای اقتصادی-اجتماعی تنها ۲۸ درصد موفق بوده‌اند (علی‌مردانی، ۱۳۷۱). با وجود اصلاحات متعدد صورت گرفته در فرایند تدوین شرح خدمات تدوین طرح‌های هادی روستایی^۱ نتایج این برنامه‌ها در مرحله اقدام حاکی از چالش‌های مفهومی، نظری و عملی در فرایند برنامه‌ریزی فضایی روستاست (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۷). زیرا فاصله معناداری میان اهداف برنامه و اقدامات انجام‌شده وجود دارد، با توجه به بازدید انجام‌شده از برخی روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت (نظیر ابوالوفا، هُرین خلیفه) در پی ارزیابی میزان تحقق برنامه‌های فضایی به نظر می‌رسد چرایی عدم موفقیت طرح‌های هادی روستایی (بیش از مرحله اقدام) را می‌بایست در نوع نگاه برنامه‌ریزان به مقوله مکان در روند تدوین سند، جست‌وجو کرد.

* نویسنده مسئول: ۰۹۳۹۹۹۷۰۱۱۶ pedram.sadafi@ut.ac.ir

بدنه نقد

بر اساس تعریف بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، طرح هادی روستایی طرحی است که ضمن ساماندهی و اصلاح بافت موجود میزان و مکان گسترش آتی و نحوه استفاده از زمین برای عملکردهای مختلف از قبیل مسکونی، تجاری، کشاورزی، تأسیسات و تجهیزات و نیازمندی‌های عمومی روستایی را برحسب مورد در قالب مصوبات طرح‌های ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی و طرح‌های جامع ناحیه‌ای تعیین می‌کند (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲). طرح‌های هادی روستایی برای اولین بار از سال ۱۳۶۲ به‌عنوان طرح‌های روان بخشی، به‌صورت پایلوت و سپس از سال ۱۳۶۷ تا به امروز به‌صورت فراگیر به‌عنوان برنامه بالادست، و فراگیر به اجرا در آمد (Ahmadi, 1995). این طرح‌ها بر اساس الگوی برنامه‌ریزی طرح‌های جامع تهیه شده و عمدتاً مبتنی بر محوریت تحولات کالبدی استوار است به‌طوری‌که به‌تبع تحولات کالبدی دیگر ابعاد روستا مانند اقتصاد و اجتماع را تحت تأثیر قرار دهد، رویکردی مبتنی بر ساختارمند کردن تحولات کالبدی در توسعه روستا (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳).

مهم‌ترین ارکان برنامه‌ریزی طرح‌های هادی روستایی بر سه محور مطالعات حوزه نفوذ، مطالعات کاربری زمین و مطالعات شبکه معابر استوار است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳). مهم‌ترین بخش در فرایند شناخت مکان را شاید باید در مرحله تحلیل و استنتاج وضع موجود و پیش از تدوین چشم‌انداز در فرایند تدوین طرح هادی جستجو کرد همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد عمده تمرکز برنامه‌ریز در این مرحله مبتنی بر کالبد و ارزش‌های کمی (نظیر مساحت معابر، نوع کاربری، نوع خدمات و...) متمرکز است. ارزیابی تجربه رویکرد محض کالبدی به توسعه از عدم موفقیت برنامه‌های آن در تأمین رضایت انسان و جامعه حکایت می‌کند، این برنامه‌ها اگرچه در ارتقای برخی شاخص‌های عینی موفق بوده‌اند اما در تأمین رضایت ساکنان توفیق چندانی نداشته‌اند (منصوری، ۱۴۰۲). بر اساس آمار معاونت عمران روستایی از سال ۱۳۶۸ تا پایان سال ۱۳۹۷ بیش از ۱۴۷۲ طرح هادی روستایی برای استان لرستان تدوین شده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳). با این منطق می‌بایست شاهد توسعه حداکثری روستا در زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی بود، اما آمار و نتایج سنجش سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی - اقتصادی بخش مرکزی شهرستان کوهدشت خلاف این امر را ثابت می‌کند. با وجود تدوین طرح‌های هادی روستا و پیروی از یک منطق مشترک برنامه‌ریزی فضایی، توسعه روستاهای دشتی و دشتی - جنگلی نسبت قابل توجهی با روستاهای کوهستانی - جنگلی دارد (توکلی و همکاران، ۱۳۹۳). این پیش‌فرض که موقعیت طبیعی روستاها در سطح توسعه آن‌ها تأثیرگذار است می‌تواند به ارزش مکان و نقش آن در فرایند برنامه‌ریزی پرداخت؛ آن‌چه مبرهن است تفاوت اساسی رویکردهای برنامه‌ریزی روستا در داخل و خارج

از کشور است، در سطح جهانی تحقق‌پذیری توسعه پایدار روستا از جنبه کالبدی با مصادیقی چون کاربری زمین، طراحی کالبدی، مسکن، خدمات، میراث فرهنگی طبیعی و اسکان گره‌خورده است اما نکته حائز اهمیت در مقایسه رویکردهای برنامه‌ریزی بین‌المللی و داخلی، اصلاح روند برنامه‌ریزی کالبدی صرف و توجه به ارزش‌های زمینه (مکان) در فرایند برنامه‌ریزی است. برنامه‌های بین‌المللی در چارچوب برنامه‌های فضایی به ساماندهی ساختارهای پویای محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به صورت توأمان و یکپارچه توجه دارند و بر روابط و جریان‌های درونی و سکونتگاه‌ها تأکید می‌کنند (Huggins, 2016, 1-3)، شناخت و کشف این روابط شاید در چرخه تغییر نوع نگاه از کالبد به زمینه باشد. مشاهدات میدانی، مصاحبه‌های شفاهی، از مجموعه روستاهای بخش مرکزی کوهدشت نظیر ابوالوفاء، هُرین خلیفه، سرخ‌دم گویای این امر است که عدم توجه به وجه کیفی در فرایند برنامه‌ریزی، نظیر عدم توجه به ویژگی‌های محیطی روستا، عدم شناخت ابعاد اقتصادی و معیشتی روستاییان، تأکید بر یکسان‌سازی فضایی بدون توجه به تنوعات بارز طبیعی، کم‌توجهی به مؤلفه‌هایی معنایی (حفظ ارزش‌های نمادین روستا، سرزندگی اجتماعی، احساس هویت و تعلق) و مشارکت و نقش مردم نتیجه مستدل مبنی بر عدم شناخت زمینه و مکان و نقش آن در فرایند برنامه‌ریزی است.

مبانی نظری

• مکان

بنا بر تعریف شولتز (۱۳۵۳) مکان «هستی فضاها از مکان است، نه از خود فضا». بنابراین طراحی فضا وابسته است به شناخت مکان و آن‌چه حس مکان نامیده می‌شود، این حس عبارت است از چیزی فراتر از خصوصیات کالبدی و حسی که آن را روح مکان گویند، لذا مکان را می‌توان فضای دارای معنا نامید. واقعیت یک مکان همواره پذیرای آن است که واقعیت خود را در دل یک فرایند اجتماعی جای دهد (logani & Molotch, 1987, 47). از این روست که راپاپورت مکان را یکی از عناصر چهارگانه تعریف‌کننده فضا می‌نامد که در ترکیب با معنی زمان و ارتباط، محیط انسان را شکل می‌دهد. لینچ نیز هویت مکان را به‌سادگی منحصر به فرد بودن از سایر مکان‌ها تعریف می‌کند، مبنای او برای این شناسایی ماهیت جداگانه داشتن است (لینچ، ۱۳۷۲).

• مکان از نگاه منظر

بر اساس تعریف منظر که پدیده‌ای است عینی - ذهنی پویا و نسبی که ماحصل تعامل انسان با محیط و جامعه با تاریخ است (منصوری، ۱۳۸۳)، در واقع فضا از لحظه‌ای که قابل خوانش و تفسیر شود تبدیل به مکان می‌گردد، چرا که علاوه بر وجه عینی، فضا حامل تفاسیری است که همان وجه ذهنی منظر را شامل می‌شود، شاخص‌ها و فاکتورهای متعددی برای خوانش مکان در

کمی و استانداردهای ازپیش تعیین شده است و ظرفیت‌های بومی و نیازهای اجتماعی - فرهنگی ساکنان به درستی لحاظ نمی‌شوند. این رویکرد نه تنها به تضعیف هویت مکانی می‌انجامد، بلکه چشم‌اندازهای ارائه شده را فاقد انعطاف پذیری لازم برای انطباق با ویژگی‌های خاص منطقه می‌کند. در مرحله سوم نیز طرح‌ها و ضوابط ارائه شده اغلب بر بهبود کالبدی و خدماتی روستا معطوف است و به جنبه‌هایی چون ارزش‌های طبیعی، فرهنگی، و اجتماعی که می‌تواند بستر روستا را به یک مکان معنادار تبدیل کند، بی‌توجه است؛ در ادامه با شاخص‌های ارائه شده مکان می‌توان به بررسی برخی از طرح‌های هادی روستایی در منطقه کوهدشت پرداخت و مقایسه کرد که توجه هدفمند و یا تصادفی چگونه بر فرایند برنامه‌ریزی تا اقدام تأثیر گذاشته است.

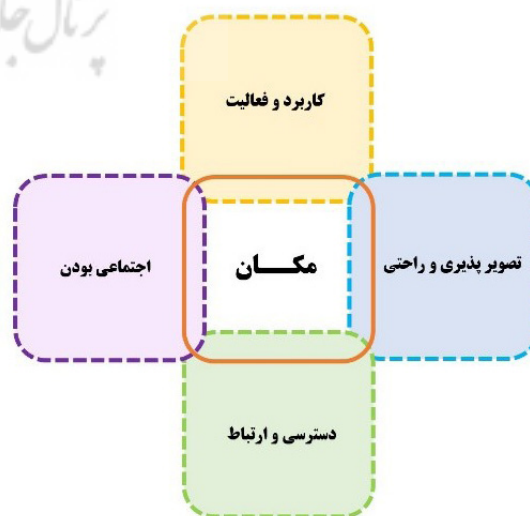
بررسی و تشریح مصادیق • روستای ابوالوفا

این روستا در دهستان گل - گل از توابع بخش مرکزی شهرستان کوهدشت، در استان لرستان قرار دارد، بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت این روستا ۳۸۲ نفر اعلام شده است، مهمترین ظرفیت این روستا قرارگیری امامزاده سید محمد ابوالوفا در این روستاست، باتوجه به شاخص‌های ارزیابی مکان، و مبنا قراردادن ویژگی‌هایی چون داشتن وجه تاریخی - معنایی، مورد توجه قرارگرفتن توسط مردم، هسته بودن، محور توسعه قرارداشتن و... به‌طورقطع امامزاده ابوالوفا مهم‌ترین مکان در روستای ابوالوفا بوده و در فرایند برنامه‌ریزی با خوانش درست منظر آن و ظرفیت‌هایش می‌بایست رکن برنامه‌ریزی فضایی طرح هادی قرار گیرد، اما آن چه در طرح هادی ترسیم شده، با واقعیت‌های مکان در تضاد است. در طرح هادی ارائه شده امامزاده و مجموعه زیارتی حول آن نه به‌عنوان مقصود وجودی روستا، بلکه به‌عنوان مقصدی مستقل و مجموعه‌ای منفک از روستا دیده شده است. این افتراق امامزاده از بستر، در فرایند برنامه به شکلی است که گویا برنامه‌ریز روستا رسالت خود را توسعه امامزاده دانسته و نه روستا؛ به‌طوری که مسیر منتهی به امامزاده چنان اهمیت می‌یابد که در طراحی شبکه معابر پیشنهادی با تعریض چهل متری، ساختار محلات روستا و اتصال آن‌ها به یکدیگر را از بین می‌برد (تصاویر ۳ و ۴)، چشمه تاریخی روستا را به‌منظور توسعه امامزاده جابه‌جا می‌کند، امکان بهره‌برداری روستاییان از حضور زائران در روستا را نادیده می‌گیرد و امامزاده‌ای که می‌توانست منشأ توسعه پایدار برای روستا باشد با اولویت قرارگرفتن راه منتهی به امامزاده از محور توسعه روستا جدا می‌شود، لذا تعریف مرزهای قطعی یک خیابان در سندهای بالادستی بدون توجه به ویژگی‌های بستر اثرات جبران‌ناپذیری را به روستا تحمیل می‌کند؛ این در حالی است که یکی از سیاست‌های اصلی برنامه آمایش سرزمینی شهرستان کوهدشت در بخش گردشگری توانمندسازی جامعه محلی از طریق توسعه گردشگری عنوان

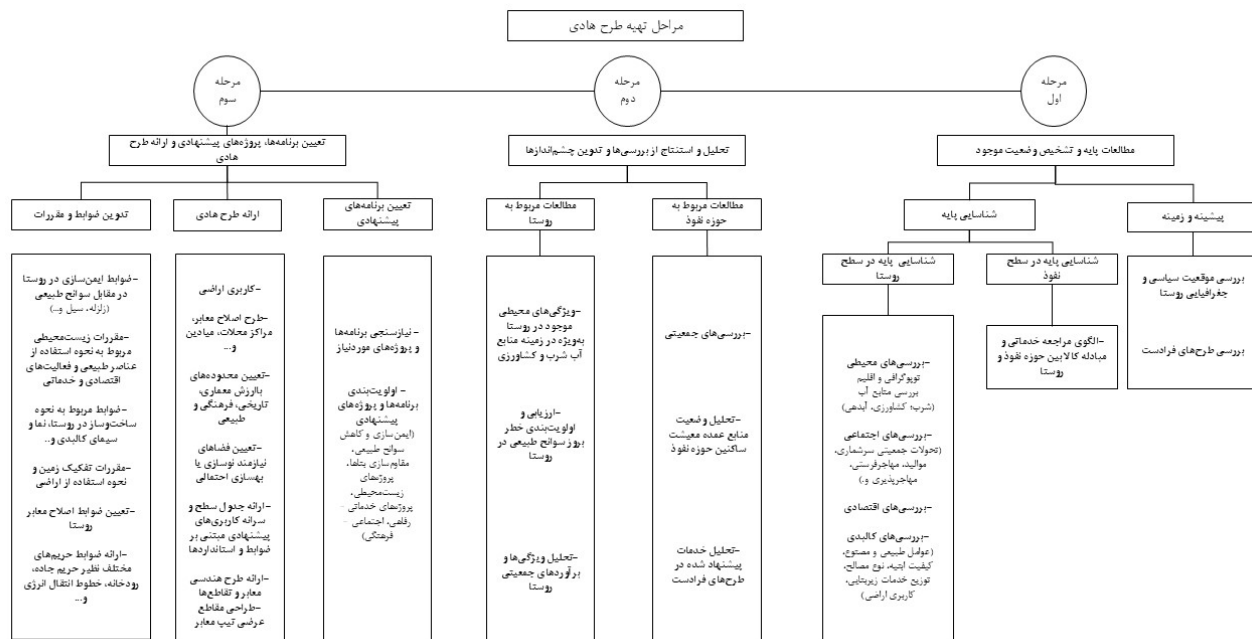
فضا وجود دارد، از مهمترین آن‌ها می‌توان به هسته بودن، منظرین بودن، ساختارساز بودن، داشتن وجه تاریخی-معنایی، وجه طبیعی شاخص، مورد توجه و اجماع قرار گرفتن (شلوغی - خلوتی)، داشتن جهت و سلسله‌مراتب اشاره کرد. در جستجوی تبیین مفاهیم فوق و بیان رابطه تحلیلی میان عوامل شکل‌دهنده مکان می‌توان چهار عامل اصلی را در موفقیت مکان تبیین کرد: تصویرپذیری، دسترسی و ارتباط، کاربرد، فعالیت و اجتماعی بودن (PPS, 2001) (تصویر ۱). با تعریف ارائه شده به نظر می‌رسد مشکل اساسی درفرایند برنامه‌ریزی طرح‌های هادی روستایی را می‌توان در عدم شناخت درست ارزش مکان جستجو کرد که خود ناشی از عدم خوانش و دیدن درست است و در ندیدن (ارزش و قدرت) مکان است.

عدم اشراف تهیه‌کنندگان بر ارزش‌های مکان در شرح خدمات تهیه طرح‌های هادی نیز منعکس است؛ بر اساس شرح خدمات مصوب پایه تهیه طرح‌های هادی، به سه مرحله اصلی: ۱- مطالعات پایه و تشخیص وضعیت موجود، ۲- تحلیل و استنتاج بررسی وضع موجود و تدوین چشم‌اندازها و ۳- تعیین و اولویت‌بندی پروژه‌های پیشنهادی و ارائه طرح هادی تقسیم می‌شود (تصویر ۲).

باتوجه به مراحل تشریح شده در فرایند سه‌مرحله‌ای تدوین طرح‌های هادی؛ عمده معیارها و شاخص‌های مورد بررسی در مرحله مطالعات شناخت، ارزیابی و استنتاج و تعیین برنامه به‌طور عمده معطوف به جنبه‌های کالبدی اوبژکتیو تأکید دارد و در بسیاری از موارد از ویژگی‌ها و ارزش‌های مکانی و سرزمینی بستر را شکل می‌دهند، غفلت کرده است به‌طوری که قابلیت تعمیم به هر روستا یا منطقه‌ای را دارند برای مثال در مرحله اول که متمرکز بر شناسایی پایه و تحلیل وضعیت موجود است، بررسی‌ها عمدتاً در سطح شناسایی سیاسی، جغرافیایی، جمعیتی و کالبدی باقی می‌ماند، بی‌آنکه ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، و معنایی مکان به‌طور جامع مورد مطالعه قرار گیرند، در مرحله دوم که تحلیل و استنتاج از مطالعات انجام می‌شود، تدوین چشم‌اندازها نیز اغلب متکی بر شاخص‌های



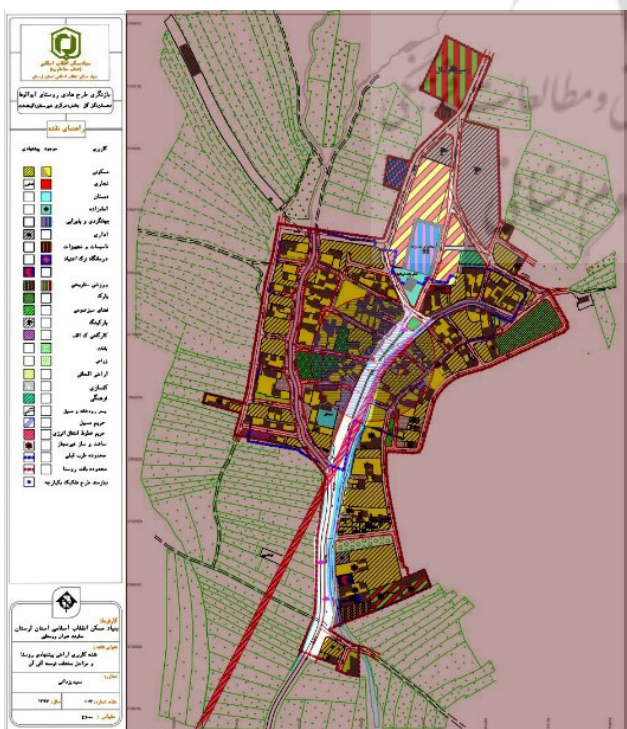
تصویر ۱. شاخص‌های اصلی مکان‌ساز. مأخذ: خرم‌روئی و صدفی کهنه شهری، ۱۴۰۳.



تصویر ۲. مراحل تهیه طرح هادی. مأخذ: نگارنده برگرفته از راهنمای تهیه طرح‌های هادی روستایی، معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.



تصویر ۳. بولوار ورودی روستای ابوالوفا. عکس: پدram صدفی کهنه شهری، ۱۴۰۲.



تصویر ۴. پهنه‌آماده در طرح هادی روستای ابوالوفا. مأخذ: دهیار روستای ابوالوفا.

شده است (شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان لرستان، ۱۳۹۲). در نقطه مقابل این روند مخرب چنانچه برنامه‌ریز با دانش منظر و نحوه قرائت منظر روستا آشنا باشد، در پی کشف چرایی ایجاد روستا (پیدایش) در این نقطه و به این شکل برخورد آمد، در این روش برنامه‌ریز ابتدا روستا را یک کل می‌داند که در بستری طبیعی (چشمه طبیعی روستا در ابوالوفا) شکل گرفته و ماحصل فعالیت‌های گوناگون گروه‌های انسانی است که نتیجه آن در شیوه بهره‌برداری از منابع، تعیین مالکیت‌ها و چگونگی گروه‌ها مشهود است (راهب، ۱۳۸۶، ۱۱۱). در ادامه منظر روستا به‌عنوان کلیت واحد و مفهومی ادغام‌شده از وجوه عینی و ذهنی در نظر گرفته می‌شود که خود متأثر از عوامل فرهنگی و کالبدی روستاست. در این مرحله با علم به این که هر روستا دارای محیط و در ارتباط با فرایند زیستن، هویت یافته و این هویت در مؤلفه‌های آن متبلور می‌شود، در پی کشف این مؤلفه‌ها برخورد آمد؛ در این مرحله است که حضور امامزاده ابوالوفا در مرکز بافت روستا معنا می‌یابد نه در کنار آن؛ چراکه به‌عنوان مرکز روستا با افشا کیفیاتی که در لحظه حضور دارند (چشمه روستا، مکان مقدس)، کانونی جهت تجلی حضور انسان در طبیعت برای ارائه یک منظر کالبدی تشکیل می‌دهد (همتی، ۱۳۹۹) که تمامی روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا حول آن شکل می‌گیرد.

• روستای هُرین خلیفه

این روستا در دهستان کوه‌دشت شمالی و از توابع بخش مرکزی کوه‌دشت محسوب می‌شود. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ شامل ۱۰۷ خانوار بوده، و در دامنه کوه چنگری واقع شده است. باتوجه‌به موقعیت روستا شاید مهمترین ویژگی مکانی این روستا را قرارگیری در دامنه کوه چنگری (استقرار)، دید مسلط بر دشت پایین‌دست،

مسیر مسیل‌ها، با این تصور که خیابان‌های روستا را به بافت شهری شبیه‌تر کند، به جای ارتقای کیفیت‌های مکان‌محور، هویت طبیعی و بومی روستا را تحت‌الشعاع قرار داده است. چنین رویکردهایی نیازمند بازنگری و توجه به ویژگی‌های مکانی منحصربه‌فرد برای حفظ پایداری و اصالت روستا هستند. نظیر این اقدامات در فرایند برنامه‌ریزی و اقدام، هرچند حداقلی، نشان می‌دهد که تقویت ارزش‌های مکانی چگونه می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار شود.

ارزیابی

با توجه به مصداق‌های مطرح‌شده می‌توان گفت فرایند برنامه‌ریزی و تدوین طرح‌های هادی روستایی آنجایی دچار اعوجاج می‌شوند که طرح‌های ارائه‌شده مکان‌محور نبوده و ارزش‌های ادراکی فضا (تاریخی، معنایی، هویتی، طبیعی و...) نادیده گرفته می‌شود، از آنجایی که نگاه برنامه‌ریز به مکان نگاهی ابژکتیو و صرفاً کالبدی بوده (که بر اساس رویکرد طرح‌های هادی مبتنی بر برنامه‌ریزی کالبدی قابل‌پیش‌بینی است)؛ هدف‌های کوتاه‌مدت در فرایند برنامه‌ریزی موردتوجه قرار می‌گیرد که نتیجه آن در تعریف کاربری اراضی، تعریف مرز مالکیت و دادن کاربری به اراضی نمود می‌یابد. شدت توجه به کالبد و اعمال سلیقه شخصی آن‌چنان در اولویت برنامه‌ریز قرار می‌گیرد که در برخی از روستاهای که از آن‌ها بازدید میدانی به عمل آمد ضمن نادیده گرفتن بخش (شناخت) که پیش‌نیاز شناسایی مکان و ارزش‌های زمینه در فرایند تدوین سند است، صرفاً به تهیه نقشه نهایی اکتفا کرده و ویژگی‌های طبیعی بستر، ظرفیت‌های میراثی و... به‌عنوان عناصر محدودکننده در فرایند برنامه‌ریزی شناخته می‌شوند. این نوع نگاه به فضا در واقع مبتنی بر امر واقع است و نه ادراک مردم از امر واقع. در نتیجه جایگاه و نقش عناصر مختلف طبیعی و مصنوع در روستا به هنگام برنامه‌ریزی دچار شکست شده و ارزش‌های مکانی آن‌ها نادیده گرفته می‌شود در این روش مهم‌ترین هدف برنامه روستا منحصر به تعیین محدوده می‌ماند درحالی‌که در فرایند صحیح برنامه‌ریزی روستا قلمروی اجتماعی است که یک کل مادی - معنوی را شکل داده‌اند، و برای خود محدوده‌ای را قائل‌اند که فراتر از آن برای غیرساکنان معنا ندارد (منصوری، ۱۴۰۲). برنامه‌ریزان می‌بایست با اتخاذ رویکرد منظر و توجه به منظر به‌عنوان امر واقع، به دنبال خوانش لایه‌های منظر روستا و کشف وجه تفسیری فضا از نگاه مردم باشد، یعنی توجه شود که مردم آن مکان را چگونه خوانش و ثبت می‌کنند، همان را مبنای تدوین سند برنامه‌ریزی قرار دهند. این چنین به نظر می‌رسد بررسی چهار مؤلفه شناختی پیدایش، استقرار، کارکرد و ادراک ساکنین، (همتی، ۱۴۰۲) الگویی ارائه دهد که منجر به خوانش منظر در مرحله شناخت پیش از تهیه سند برنامه‌ریزی شود و در نهایت آنچه به‌عنوان برنامه در این روند بازتولید می‌شود، مبتنی بر همان منظر روستا خواهد بود.



تصویر ۵. توجه به مسیل‌های روستا به‌عنوان محور توسعه ساختار روستا. عکس: پدram صدفی کهنه شهری، ۱۴۰۲.



تصویر ۶. توجه به رودخانه فصلی به‌عنوان ساختار توسعه روستا در طرح هادی مصوب، ۱۳۹۷. مأخذ: دهیاری روستای هرین خلیفه.

توسعه در امتداد مسیر رودخانه، مسیل و مجاورت با جنگل‌های بلوط کوهستان و شکل‌گیری هسته اولیه آن در امتداد مسیل کوهستان دانست، هر چند که رودخانه موجود به علت کم‌آبی و خشکسالی سال‌های اخیر به شکل فصلی درآمده است؛ اما بنابر گفته ساکنان در سال‌های نزدیک گذشته همچنان آب داشته و در فصول پرآب قابلیت احیاء دارد، توجه عامدانه و با تصادفی برنامه‌ریز به حضور آبراه‌ها در طرح هادی روستا (تصاویر ۵ و ۶) نوعی از برنامه‌ریزی مکان‌محور را در روستا رقم زده است؛ با ارزیابی شاخص‌های مکان ساز، رودخانه روستا با داشتن ویژگی‌هایی چون ساختار ساز بودن، منظرین بودن و ویژگی برجسته طبیعی بودن در واقع یکی از مکان‌های مهم روستاست، به‌طوری‌که توسعه روستا در محور شرقی-غربی (از بالا به پایین) در امتداد این آبراه توسعه یافته است، و مهم‌ترین مراکز خدماتی روستا نظیر مدرسه و خانه روستا در کنار این آبراه شکل می‌گیرند. باین وجود، اقدامات کالبدی با رویکردی کاملاً ابژکتیو یا با هدف تجددگرایی و امروزی‌سازی، به کج‌سلیقگی و غفلت از ماهیت بومی منجر شده است. محدود کردن و دیواره‌سازی

نتیجه‌گیری

با بررسی برنامه‌های بالادستی و تطبیق برنامه‌ها با ارزیابی مصداقی انجام‌شده و طی بازدید میدانی صورت‌گرفته از روستاهای هدف، این‌گونه به نظر می‌رسد که مهم‌ترین و اصلی‌ترین رکن عدم تحقق طرح‌های هادی روستایی از سطح برنامه تا مرحله اقدام را می‌بایست در روند تدوین طرح‌های هادی جست‌وجو کرد، جایی که عدم شناخت درست مکان و ظرفیت‌های سرزمینی منجر به تدوین برنامه‌هایی می‌شود که با واقعیت‌های محیطی قرابت چندانی ندارد؛ منظور از شناخت مکان به‌عنوان بستر و زمینه اصلی برنامه‌ریزی، تفسیری از روستاست که بر مبنای دلایل و شرایط پیدایش و توسعه روستا بر اساس مراجعه دقیق به سابقه تاریخی و جغرافیایی و تشخیص فهم روستا در ذهن روستاییان به‌دست‌آمده باشد. این مفهوم یک معنای کلی و یکپارچه از روستاست که مؤلفه‌های اصلی آن را پژوهشگر در هر روستا جداگانه تشخیص می‌دهد. در غیاب این رویکرد و اکتفا به ثبت مشخصات کالبدی روستا اهداف برنامه ابتر مانده و فرایند توسعه متوقف می‌شود. راهکارها خروج از این بن‌بست اصلاح رویکرد فرایند تدوین برنامه طرح هادی است. لازمه این امر نیز قرارگیری مرحله‌ای تحت عنوان خوانش منظر روستاست تا ضمن توجه به شاخص‌های مکان‌ساز که با کمک متخصص منظر و مشارکت جامعه محلی لایه‌های منظر کشف و ارزش‌های سرزمینی هویدا شود، این روند منجر به تهیه یک برنامه مبتنی بر مکان (مکان‌مند) خواهد بود که امر توسعه پایدار روستا را تضمین می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. از آغاز برنامه اول توسعه تا بهار ۱۳۹۵.

فهرست منابع

- ابراهیمی، محمدصادق؛ امینی، امیر مظفر؛ میکائیل، سید حنیف. (۱۳۹۳). بررسی خدمات زیربنایی و روبنایی طرح هادی روستایی در شهرستان آمل. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۹(۲۶)، ۱۰۵-۱۱۹. https://journals.iaui.ir/article_513779
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۶۹). گزارش تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی. (۱۳۸۳). *راهنمای تهیه طرح هادی روستایی*. ج. ۳. دفتر هماهنگی برنامه‌ریزی طرح‌ها.
- توکلی، جعفر؛ میرزاده، علی‌اصغر و ابراهیمی، مراد. (۱۳۹۳). سنجش سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی-اقتصادی روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت. *پژوهش‌های روستایی*، ۵(۱)، ۲۱۳-۲۳۵.
- خرم‌روئی ریحانه، صدقی کهنه شهری پدram. (۱۴۰۳). نقدی بر تهیه فرایند طرح هادی از مرحله برنامه‌ریزی تا اقدام با رویکرد منظرین (نمونه موردی: روستای پای استان در منطقه کوهدشت استان لرستان). *مکتب/حیاء*، ۲(۲)، ۳۴-۴۱. <https://doi.org/10.22034/2.2.34>
- راهب، غزال. (۱۳۸۶). درنگی در مفهوم روستا. *محیط‌شناسی*، ۳۳(۴۱)، ۱۰۵-۱۱۶.
- رکن‌الدین خناری، عبدالرضا؛ خلیفه، ابراهیم؛ پور طاهری، مهدی و رحمانی فضلی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). ارزیابی فرا تحلیل مقالات طرح‌های هادی روستایی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، ۹(۱)، ۲۶-۴۱.
- شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان لرستان. (۱۳۹۲). *سند آمایش شهرستان کوهدشت*. دفتر برنامه و بودجه، شرکت مهندسی مشاور سبزاندیش.
- شولتر، کریستیان نوربرگ. (۱۳۵۳). *هستی، فضا و معماری* (ترجمه محمدحسن حافظی). انتشارات کتاب‌فروشی تهران.
- علی‌مردانی، مسعود. (۱۳۷۱). *ارزیابی طرح‌های هادی روستایی* [پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد]. دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۲). *سیمای شهر* (ترجمه منوچهر مزینی). انتشارات دانشگاه تهران.
- مظفر، فرهنگ؛ حسینی، سید باقر؛ سلیمانی، محمد و ترکاشوند، عباس. (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات اجرای طرح‌های هادی بر محیط‌زیست روستاهای ایران. *فصلنامه علوم محیطی*، ۵(۳).
- معاونت عمران روستایی. (۱۴۰۲). *بنیاد مسکن انقلاب اسلامی*. قابل دسترسی در: <https://www.bonyadmaskan.ir/pages/ruralconstruct.html>
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. *باغ نظر*، ۱(۲)، ۶۹-۷۸.
- منصوری، سید امیر. (۱۴۰۲). نسبت توسعه با مفهوم سرزمینی. *منظر*، ۱۵(۶۴)، ۳.
- همتی، مرتضی. (۱۳۹۹). تبیین الگوی شناختی گردشگری روستایی با رویکرد منظر. *گردشگری فرهنگ*، ۱(۲)، ۳۹-۴۶. <https://doi.org/10.22034/TOC.2020.243927.1019>
- Ahmadi, M. R. (1995). *Rural Planning on the Basis of Rural Development Centers* [Unpublished Masters Thesis]. University of Tehran.
- Huggins, CD. (2016). *Village land use planning and commercialization of land in Tanzania*. LANDac Research Brief, 01, 1-6.
- Logan, J., & Molotch, H. (1987). *Urban Fortunes: The Political Economy of Place*. Berkeley.
- Project for public spaces (PPS). (2001). *How to turn a place around: A Handbook for Creating Successful Public Spaces*. Project for public spaces.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

صدقی کهنه شهری، پدram. (۱۴۰۳). جایگاه مفهوم «مکان» در طرح‌های هادی روستایی (نمونه مطالعاتی: روستاهای ابوالوفا و هُراین خلیفه، کوهدشت، لرستان). *گردشگری فرهنگ*، ۵(۱۸)، ۴۸-۵۳.

DOI: 10.22034/toc.2024.492973.1174

URL: https://www.toc-sj.com/article_211095.html

